تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۰۸
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۴
(ص۹۳ -۱۰۷)

ترجمه و بررسی یک متن غیردینی سغدی

(نامهٔ پنجم سغدی)

سعید نظری*

چکیده

از زبان سغدی در دورهٔ باستانِ زبان‌های ایرانی اثری بر جای نمانده‌است، ولی در دورهٔ میانه آثار متعدّدی از این زبان در دست است که یکی از مهم‌ترین آنها، نامه‌های کهن سغدی است. این نامه‌ها را سِر اورل استاین در سال ۱۹۰۷م، در یکی از برج‌های نگهبانی دیوار چین یافت. این اسناد، شامل پنج نامهٔ کامل و چهار پاره شبیه نامه است. نامهٔ پنجم، از سوی مردی به نام **فری–خوتاو**، از اهالی **گوزانگ**، در ۱۱ می سال ۳۱۳ م به **اسپندات**، ساکن **ختن** نوشته شده و دربردارندهٔ نام محصولاتی از قبیل نقره، پارچهٔ کتانی، فلفل و ... است. نگارنده در مقالهٔ حاضر، به بررسی و ترجمهٔ این نامه پرداخته‌است.

کلیدواژه‌ها: سغد، نامه‌های کهن سغدی، نامهٔ پنجم

* دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج
ma_nazar84@yahoo.com

مقدّمه

نامه‌های کهن سغدی

کهن‌ترین نوشته‌های زبان سغدی، خطوط حک‌شده بر روی سکّه‌های سغدی است که اغلب پس از قرن پنجم میلادی ضرب شده‌اند. این سکّه‌ها که در زادگاه قوم سغد، به‌ویژه نواحی بخارا و سمرقند پیدا شده‌اند، تنها، اطّلاعاتی دربارهٔ برخی نام‌ها به دست می‌دهند و محتوای قابل ملاحظه‌ای ندارند. امّا در سال ۱۹۰۷ باستان‌شناس نامدار مجار، «سر اورل استاین»[1] در جریان کاوش‌هایی که در مسیر جادّهٔ ابریشم انجام داد به اسناد گرانبهایی دست یافت. این اسناد که در یکی از برج‌های دیده‌بانی مخروبهٔ سلسلهٔ **هان**، در ۹۰ کیلومتری غرب **دون–هوانگ**[2] در ایالت **گانسو**[3] و ۵۵۰ کیلومتری شرق **لولان**[4] در محوّطهٔ باستانی T.XII.a (نک : تصویر شمارهٔ ۱) به دست آمد، نامه‌های کهنی بود که به زبان و خط سغدی توسط سغدیان مقیم سین– کیانگ[5] (ترکستان چین) و گانسو، خطاب به هم‌وطنانشان در غرب

---

[1] Sir Aurel Stein

[2] *Dun – huang* در شهر جیایو–گوان، شرق ایالت گانسو واقع است. این شهر مرزی که دروازهٔ راه تجاری آسیای مرکزی محسوب می‌شد در ۱۱۷ پیش از میلاد، توسط امپراطوری **وودی** (*Wudi*) ازسلسلهٔ **هان** تأسیس شد. شهر دون–هوانگ آخرین منزلگاه امن برای مسافران و بازرگانان جادّهٔ ابریشم بود و بازرگانان پیش از حرکت به سوی سین–کیانگ، مدّتی در این شهر برای استراحت و تیمار اسبان و اشتران خود توقّف می‌کردند و در موگاعو *Mogao* (غارهای هزار بودا) برای ایمنی در سفر به دعا و نیایش می‌پرداختند. با توجّه به موقعیت این شهر در آن روزگار، می‌توان گفت که دروازهٔ ورود مبلّغان آیین بودایی، و محلّ تقاطع دو شاخهٔ مهم جادّهٔ ابریشم بوده‌است.

[3] *Kan–su/Gansu* با مساحتی در حدود ۴۵۴۰۰۰ کیلومترمربّع درشمال شرق چین واقع شده‌است. این شهر در که مسیر جادّهٔ ابریشم قرار داشته در تبادلات اقتصادی و فرهنگی میان چین و غرب نقش بسزایی ایفا می‌کرده‌است.

[4] **لولان** (*Lou – lan*) یا کرورانا، شهر تجاری کوچک و مترقّی با تاریخی ۱۶۰۰ ساله و جمعیّتی چهارده هزار نفری بود. این شهر، با دون–هوانگ و شهر **نیا** هم‌مرز و در غرب دریاچهٔ لوپ نور واقع شده بود. لولان، قلب جادّهٔ ابریشم به شمار می‌آمد و به منزلهٔ پل ارتباطی چین و غرب بود. لولان با تمام شهرت و اهمیّتی که داشت، در ۶۳۰ م ناگهان از صحنهٔ روزگار محو شد. باستان‌شناسان معتقدند که شرایط بد آب و هوایی، طغیان رودخانه‌ها و نیز تغییر مسیر جادّهٔ ابریشم، سبب نابودی این شهر بوده‌است. پس از ۱۶۰۰ سال، در ۲۸ مارس ۱۹۰۰ میلادی، کوِیرشناس سوئدی، سون هدین (Sven Hedin) این شهر را در زیر شن‌های داغ صحرا **تاکالاماکان** کشف کرد.

[5] سین– کیانگ (*Xinjiang*)، نامی چینی و به‌معنای «رودخانهٔ غربی» است. در زبان فارسی آن را **ترکستان چین** می‌گویند. این ایالت با وسعتی در حدود ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومترمربّع در شمال شرق چین قرار دارد و از غرب با کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان و پاکستان، از جنوب با فلات تبّت، و از شرق با ایالت گانسو همسایه است. مرکز آن **اورومچی** (*Urumqi*) و شهرهای مهمّ آن کاشغر، ختن و ترفان است. ایالت سین–کیانگ در زمان سلسلهٔ **کینگ** بدین نام خوانده شد.

(سغدیانا و سمرقند) و برخی از نواحی منتهی به چین، مانند **دون–هوانگ**، **سوز– هو**[۱]، **گوزانگ**[۲] و **جین–چنگ**[۳] نوشته شده بود. میان شهرهای مزبور و سرزمین اصلی سغد – به‌ویژه سمرقند– رابطه‌ای بسیار نزدیک وجود داشته‌است. نامه‌های موردِ بحث، تحوّلات سیاسی چین شمالی، ناامنی راه‌ها، مشکلات و مسائل تجاری سغد، شرایط زندگی و فعّالیت روزمرهٔ بازرگانان ساکن **لویانگ**[٤] را بازگو می‌کند (Sims–Williams, 2001: 47).

به نظر می‌رسد که این نامه‌ها در کیف پستی، در مسیر عبور از مرکز چین به غرب، توسط نگهبانان مرزی چین مصادره شده و هرگز به دست دریافت‌کنندگان نرسیده‌است. این اسناد، شامل پنج نامهٔ کامل و چهار پاره شبیه به نامه است که در لفافی از ابریشم قهوه‌ای‌رنگ و درون یک پاکت پارچه‌ای زِبر از جنس کتان کشف شده‌اند (نک: تصویر شمارهٔ ۲). تمامی این نامه‌ها تا شده بودند و این تاخوردگی، نوشته‌ها را تا حدّ امکان محفوظ نگه داشته‌است. البتّه آسیب‌دیدگی‌های جزئی در لبهٔ بیرونی برخی ازنامه‌ها وجود دارد. کاغذهای مربّع‌شکلی که این نامه‌ها بر روی آن نوشته شده، از لحاظِ ابعاد، از نظم ویژه‌ای برخوردار است که خود بیانگر رعایت اندازه‌ای استاندارد برای این اسناد است؛ عرض نامه‌های سغدی در حدود ۲۲ سانتیمتر است که اندازهٔ استاندارد نامه‌های آن روزگار بوده‌است.

پژوهشگران دربارهٔ تاریخ دقیق تحریر این نامه‌ها اختلاف‌نظر دارند، به‌عقیدهٔ سِر اورل استاین، این نامه‌ها در سال ۱۳۷م نوشته شده‌است. هنینگ در مقالهٔ «تاریخ نامه‌های سغدی»، نظر استاین را رد کرده و معتقد است که حوادث و اتفّاقاتی که درنامهٔ دوم به آنها

---

[۱] امروز **سوز–هو** (*Suzhou*) با نام **جیایو–گوان** خوانده می‌شود؛ جیایو–گوان که در شمال غرب ایالت گانسو واقع است، مانند شهرهای دیگر این ایالت از اهمیّت ویژه‌ای در جادّهٔ ابریشم برخوردار بوده‌است.

[۲] امروز، **گوزانگ** (*Guzang*) با نام **وو–وی** (*Wuwei*) خوانده می‌شود. وو–وی، در شمال شرق گانسو قرار دارد.

[۳] **جین–چنگ** (*Jincheng*) که امروزه با نام **لان–جو** (*Lanzhou*) شناخته می‌شود، مرکز ایالت گانسو است و در شمال آن واقع شده‌است.

[٤] **لویانگ**، یکی از شهرهای شمالی **هنان** است که از نظر تاریخی، بسیار کهن و سال‌ها پایتخت سلسله‌های بزرگ چین بوده‌است. از این شهر به‌عنوانِ یکی از هفت پایتخت بزرگ چین باستان یاد می‌کنند.

اشاره شده[۱]، مربوط به سال‌های ۳۱۱-۳۱۲ میلادی است. ولی فوجیدا[۲] و هارمات[۳] با نظر هنینگ مخالف‌اند. به نظر هارمات، حوادث مذکور در نامهٔ دوم در سال‌های ۱۹۰ تا ۱۹۵ م رخ داده‌است، درحالی‌که فوجیدا، تاریخ نامه‌ها را قرن ششم میلادی می‌پندارد. امّا سیمزویلیامز نظر هنینگ را پذیرفته و معتقد است که ویرانی شهرهای لویانگ ویه و فرار امپراتور از لویانگ در سال ۳۱۱ م به وقوع پیوسته‌اند (Hening, 1984: 1). به‌هرروی، با توجّه به رویدادهای مذکور در نامه‌ها می‌توان حدس زد که این نامه‌ها ۱۱ می ۳۱۳ م نگاشته شده‌اند.

نامهٔ پنجم

نامهٔ پنجم با ابعاد ۲۲ ×۳۰ سانتیمتر، به‌صورتِ دو بستهٔ تاخورده که حاوی چهار پاره نامهٔ فرسوده بودند، در سال ۱۹۰۷م در محوّطهٔ باستانی «T.XII.a» در غرب دون–هوانگ به دست آمد. یک پاره از این چهار پاره متعلّق به نامهٔ ششم بوده که با حرف A علامت‌گذاری شده و در پشت آن، نشانی نامه به چشم می‌خورد. پارهٔ دیگر را با حرف B مشخّص نموده‌اند و در دو طرف آن نوشته‌ای دیده می‌شود. پاره سوم را با حرف C نشان داده‌اند که در زیر پارهٔ A قرار گرفته‌است و نوشته‌های این پارهٔ را کامل می‌کند. آخرین پاره نیز با حرف D نشان داده شده‌است. به نظر می‌رسد که پاره‌های اول، سوم و چهارم را به هم چسبانده و تا زده و با نخ به دور پارهٔ دیگر پیچیده‌اند (Sims–Williams, 2001: 91). پس از بازسازی پاره‌های فرسوده، متن اصلی به‌صورتِ یک نامهٔ کامل به دست آمد که حاوی ۲۳ خط افقی –از راست به چپ– و در حاشیهٔ سمت راست نامه، ۹ خط عمودی –از بالا به پایین– است که بخش‌هایی از آن، در گذر زمان از بین رفته‌است (Reichelt , 1931: 31). نامهٔ پنجم تقریباً کامل است، ولی به سبب فرسودگی، سوراخ‌های بزرگی در سطور ۱۷ تا ۲۱ و ۱ تا ۴ آن دیده می‌شود که خواندن این قسمت از نامه را دشوار می‌کند. این نامه برای نخستین بار توسّط **رایشلت** مورد بررسی قرار گرفت (Henenning, 1948: 615). نامه از سوی مردی به نام

---

[۱] منظور تاراج و ویران شهرهای **لویانگ** و **یه** (*Ye*) فرار امپراتور از هون‌ها است. شهرستان **یه** یکی از شهرهای باستانی چین است که در ایالت هنان واقع شده‌است.

[2] Fujieda [3] Harmatta

«فری–خوتاو»[۱] از اهالی «گوزانگ» به «اسپندات»[۲] ساکن «ختن»، در ۱۱ ماه می سال ۳۱۳ م نوشته شده‌است. گاوتوس[۳]، شریک تجاری نویسندهٔ نامه او را ترک کرده و به همین سبب، وی این نامه را از سر اندوه و با عجله و بی‌دقّت نگاشته است. نگارنده در این نامه به ناآرامی در شرق چین و مبادلات اجناس در ناحیهٔ گوزانگ پرداخته‌است.

حــرف‌نوشت

‘(D βγw)	*[pyšt]*
(x)wt’w	*(MN) xypδ*
s’rtp’w	*(β)ntk*
’sp’nδ(’t)w	*[p](ry) [xwt’w]*

1 *‘D βγw (xw)t’w ’sp’nδ’t ”prywn nm’čyw (’P)Z(Y)[š šyr] myδ*

2 *ZKZY wynt δrwk ’nčyw š’txw ’pw r’βw ’xw (ns)wntw* [4] *M[N pryxwt’w]* [5] *xypδy*

3 *βntk ’HR(Z)[Y](m)* [6] *[ ] [(Z)[K myδ prtr) ’t ’YK(ZY)βn[ ] (x)wt(y)[wyn’n* [7] *’PZY](t)n* [8]

4 *’č nztw n(m’čyw* [9] *β)r’n (’)[YK](Z)Y* [10] *wyšnw βγ’nw ’HR[ZYm ’](č) čntr(s)’r* [11] *myδ*

---

[1] *Fri-khwatāw* [2] *Aspandhāt* [3] *Ghāwtus*

[4] رایشلت: *’xwčwšw* [5] رایشلت: *m/////////*

[6] سیمزویلیامز: ضمیر اوّل‌شخص جمع *mn* – [7] رایشلت: فعل مضارع اوّل‌شخص جمع *wyn’ymn*

[8] سیمزویلیامز با توجّه به بافت جمله، این واژه را اضافه کرده‌است.

[9] رایشلت: *nm.č* [10] رایشلت: *y//////*

[11] رایشلت: *’XR ///////’r*

5 *myδ 'βzt(rw)*[1] *ptγwšt L' prtrw 'HRZYn ('č) ('x)[wrmztkk'](č)w*[2] *np'yns'(w)*[3]

6 *(K)δZY [xwty] [w](yt)['']rt*[4] *'HRZ(Yš) 'čw wm't (':).[...] (p)y [.....]δ....](n')t*

7 *pwštym*[5] *('H)RZY n'y kč'ny 'skw'm 'HRZY L' w(r)δ L' mrδ wytr'm*

8 *'HRZY mδ 'č*[6] *'βyxw'r*[7] *nyst 'HRZY kč'ny 4 βn(t)*[8] *'spytč pr prstw*

9 *'PZY p'δ p'δ[.] 2 ılLP (5)oo pr prstw*[9] *'PZY 'δβ prstk n(..y)t*

10 *'PZY 5 prstk rysk*[10] *'PZY ½ styr n'kr(t)k 'HRZY 'YK γ'wtws*

11 *'č kč'n (w)yt'rt 'HRZYš pyš wyt'rt'ym 'HRZYm "γt('ym) 't*

12 *δrw'n '(H)RZYm βyk[y]s'r prγ'štw*[11] *"(y)[']('β)t*[12] *'HRZY(n) (p.)[.] γ'wtws*

---

[1] رایشلت: *'r'skw* [2] رایشلت: *č. / / / / / / / / čw*

[3] رایشلت: *np'yš'w*. شایان ذکر است که این واژه در بند ۳۰–۲۹ نامهٔ دوم به‌صورتِ *'YKZY np'ys'w* به کار رفته‌است. *np'tns* تنها ستاک حال از فعل «نوشتن» است که از *ni – pinsa* * ایرانی باستان می‌آید (قس. آسی *finsun/fyssyn*). با توجّه به اینکه در این واژه و واژهٔ *'xwnswntw* که در بند دوم به کار رفته، دو صامت دماغی *n* وجود دارد، طبق فرایند ناهمگونی *ns* به *s* بدل شده‌است.

[4] رایشلت: *... / / / / / / rt*

[5] ریشهٔ *pwštym* از واژهٔ سغدی مسیحی *pw'zwny* به‌معنای «خلوت، دوری، دور افتادگی» از *pw'zy* مشتق شده‌است.

[6] رایشلت *mδ 'č* را به‌صورتِ *mδ'k* –به‌معنایِ «شراب»– بازسازی کرده‌است.

[7] رایشلت: *'ryxw'β*. سیمزویلیامز این واژه را «کاروان» ترجمه کرده‌است.

[8] رایشلت: *βnt* از واژهٔ ختنی: *-banda* و به‌معنای «بسته»

[9] د. واسیلا معتقد است که *prst* – اسم فعلی از *prsty* – به‌معنای «فرستادن» است.

[10] رایشلت معتقد است که واژهٔ سغدی *rysk*، به‌معنایِ «برنج» است که به‌صورتِ *ryz'kh* نیز به کار رفته‌است.

[11] ریشهٔ این واژه نامعلوم است و سیمزویلیامز آن را تحت‌اللفظی، «مانع شدن» ترجمه کرده‌است.

[12] رایشلت: *. / / / / / / / / / "*

13 *p'rštč* [1] *r'δwh wyt'y 'HRZYmn* [2] *ZKh š'wkt nyznyt'y 'HRZY*

14 *γrβy swγδ* [*y*](*k*) *"mtk wm't ZKZYtn nyzt'y* [3] *'HRZY L(' n)yzt* [4] *'*(*k*)[*r*]*t'nt*

15 *p'rZY ZK γ(')wtws ZKy γry wyt'rt 'HRZYn 't δrw'n ptt'w* [5] *p'rZY*

16 *mntzγ'mk* [6] *wm'tnt 'HRZYt ptwyδ'm* [7] *'č 'pr'k* (')*m' srδ*(*m'n*)*yt* [8]

17 (*p'rZY ny*) [.]*δ*[..].. *'s*(*pyšy* [9] *'skw*)*'m k*(*č*)*'ny* [10](*'H*)[*RZ*](*Y*)*m* [..].[.....]. .

18 *'HRZYm ny*[.....]*'w kwn*(*y*)[*n*](*t*) *'*(*H*)*RZYm ZKy '*(*βy*)[.]*γ*(*w*) [..].[.] *K*(*β*) [.....].*"srγ*

19 *βyr'y*(*nt*) (')[*HRZ*](*Y*)*mn* [11] *pr* [.]*'*(*z*)*mw 'βz'w'ynt* [12] *'*(*H*)*RZY* [..].[.]. *k'δyw* [13] [ ]*'βzβr'k*

---

[1] واژهٔ *p'rštč* صفت فاعلی از واژهٔ سغدی مسیحی *fryž* به‌معنای «راست کردن، درست کردن» است که با اسم *r'ϑ* همراه است.

[2] رایشلت، ضمیر *mn-* را به‌صورتِ حرف اضافهٔ *MN* حرف‌نویسی کرده‌است.

[3] رایشلت: *zynt'y* [4] رایشلت: *xynt*

[5] ترمبلی (Tremblay) معتقد است که این واژه، شرطی اوّل‌شخص مفرد از *ptt'w* و یا *pt'w* به‌معنایِ «اقامت کردن» است. از دید ریشه‌شناسی *tt* – از واژهٔ *pati – tāwa** بر جای مانده‌است.

[6] این واژه به‌معنای «بدون پول» است و از واژهٔ *'zγ'mk* به‌معنای تحت‌اللفظی «در پایان، بالاخره، تمام، کاملاً» می‌آید و در بند ٥٦–٥٧ نامهٔ دوم، به‌صورتِ *zγ'mk* و به‌معنایِ «پول» و در بند ٩–١٠ نامهٔ نخست به‌صورتِ *'zγ'mk* و به‌معنای «بدون پول» به کار رفته‌است.

[7] بر اساس بافت جمله، واژهٔ *ptwyδ* را «وابسته بودن» ترجمه کرده‌ایم (نک : ادامهٔ مقاله).

[8] بر اساس بافت جمله، *srδm'nyt* را «یاری، کمک» ترجمه کرده‌ایم. این واژه، اسم انتزاعی از *srδm'n* به‌معنایِ «خوشحالی» است.

[9] رایشلت: ////...'////y///////

[10] رایشلت: ////m//////....

[11] رایشلت: ////////mn

[12] رایشلت: *'βn'p'ynt*

[13] رایشلت این واژه را حرف نویسی کرده‌است.

20 *'ym 'HR(Z)Y....]mn.[..]y .[....]('tk) ZNH čy(r)[.].tn [..](.'H)[RZ]Ym*

21 *KZNH pt(γw)š(t) xrstrnk* [1] *ZYt 20 styr n('k)[rt](k) p(r)[t](w) [δ'r](t)* [2] *'H(R)ZY* [3] *KZNH*

22 *ršt* [4] *βr"mwt* [5] *'HRZYm δβrtw δ'rt* [6] *ZKw n(')krtkw 'H[R](Z)Ym* [7] *ptm't* [8]

23 *'HRZY 4½ styr 'spt* [9] *'HRZY m ptβršt (k)δZYm (20) s(tyr) [prs](t')tw* [10]

24 *δ'rt* [11] *'čwZYm 4½ styr δβry 'HR[Z]Y KZNH wγtw*

25 *δ'rt* [12] *'spnδ't ZYm 'βyrtw δ'rt* [13] *'wy r(')δyh 'HRZYm*

26 *δ(βrtw) δ'(rt) 'H(R)ZY (KZ)NH wγtw δ'(r)t 7½ s n'(k)rt(k) KZNHm pr 4 styr 4 δ(n)k* [14]

27 *'st(k)[.](m) 'β[y]'r(t) 'HRZY ZKy š'wkty ZK n('kr)tk*

28 *"yt p'rZ(Y) KZNH wγtw δ'r'n(t) 'zγ(')mk* [15] *ZYn nyst*

---

[1] رایشلت: *xrttrZKnyt*. سیمزویلیامز معتقد است که این واژه، نام خاص و یا یک عنوان است.

[2] ماضی نقلی متعدّی سوم‌شخص مفرد

[3] رایشلت : */////////ny*

[4] رایشلت: *pšt* به‌معنای «پیمان، قرداد». سیمزویلیامز معتقد است که این واژه می‌تواند به‌صورت *βšt* , *wšt* به کار رود، ولی در اینجا از *ršt* استفاده می‌کنیم، این واژه به‌همراهِ قید *čānu* به‌صورت فعل و به‌معنای «گفتن و اظهار داشتن » به کار می رود.

[5] *βr"m* فعل مضارع اوّل‌شخص مفرد است.

[6] ماضی نقلی متعدّی سوم‌شخص مفرد

[7] این واژه را رایشلت حرف‌نویسی نکرده‌است.

[8] رایشلت: *ptm'nh* به‌معنای «پیمان، عهد».

[9] رایشلت: *'tps*

[10] رایشلت: *////.'tw*

[11] ماضی نقلی متعدّی سوم‌شخص مفرد

[12] ماضی نقلی متعدّی سوم‌شخص مفرد

[13] ماضی نقلی متعدّی سوم‌شخص مفرد

[14] – *δnk* < * *ϑanka*. سیمزویلیامز این واژه را «پشته» معنا کرده‌است.

[15] رایشلت: *'nγ'mk* به‌معنای «غذا، معیشت؟، هنگام؟». سیمزویلیامز: *'zγ'mk* به‌معنایِ «پول».

29 *p'rZY p(r)trw 'zw*[1] *'β(z)βr'k β'w 'YKZY wy*[2] *'HRZ(Y)tn*

30 *ptγwšt'*[3] *'YKZYm 'xwrmztkk γγδrp*[4] *'kṛtw δ'rt*[5]

31 *'HRZYn m(s) ptγwš pyšt MN xypδ β(n)tk pryxwt'(w)*

32 *np'xšt ZNH δykh 'č kč'n pr 'δrtyk m'(x)w p 30'k.*

آوانوشت

ar βaγu [*pišt*]
xutāw čan xēpϑ
Sārtaspāw βandē
Aspanδatu parēw [*xutāw*]

1 *ar βaγu xutāw Aspanāδat āfrīwan namāčyu utəti*[*š šir*] *mēϑ*

2 *xō – ti? went δrūk ančyu šātxu* (*ə*)*pu rāfu əxunsundu č*[*an Fri – xutāw*] *xēpϑī*

3 *βandē ərti – man xō mēϑ fratar āt kaδuti – fan xutē wenān utəti-tan*

4 *ač nazdu namāčyu βarān kaδuti wēšnu βaγānu ərti – m ač čandarsār mēϑ*

5 *mēϑ* (*ə*)*βžtaru patγušt nē frataru ərti – n* (*ač*) (*ə*)*x*[*urmazdē a*]*ču nipēsu*

6 *kaδuti* [*xutē*] [*w*](*it*) [*a*]*rt ərti – š aču wimāt '..*[...] (*py*) [...]*δ....*](*n*)*t*

7 *pwštym_ərti nāy Kačānī* (*ə*)*skawām ərti nē ōrδ nē marϑ witarām*

---

[1] رایشلت: *'nw* [2] معنای این واژه مشخّص نیست. [3] رایشلت: *ptxwšt't*
[4] رایشلت: *γγδβp* به‌معنای «زیان، آسیب». [5] ماضی نقلی متعدّی سوم‌شخص مفرد

8 *ərti maδa ač (ə)βexār nēst ərti Kačānī 4 βand (ə)spēč par frastu*

9 *utəti paδ paδ*[.] *2 zār 5*(100) *par frastu utəti aδβ parastak n*(..*y*)*t*

10 *utəti 5 parastak rise utəti ½ stēr nāk*(*a*)*rtak ərti kaδu γāwtus*

11 *ač kačān witart ərti – š piš witartēm ərti – m āγa*[*tēm*] *at*

12 *ϑruwān ərti – m βēksār paryaštu* (*āy*)[*a*](*βd*) *ərti – n* (*p.*) [.]. *γāwtus*

13 *p'rštč rāϑu wītē ərti-man xā šāwēt nyznyt'y ərti*

14 *γarfi Suγd*[*ī*]*k āmātē wimāt xō – ti – tan niž*(*i*)*tē ərti nē niž*(*i*)*t* (*ə*)*kṛtand*

15 *pār*(*u*)*ti xō γāwtus* (*a*)*wi γarī witart ərti – n at ϑurwān pattāw par*(*u*)*ti*

16 *mandz – γāmē wimātand ərti – t patwēδam ač əprak* (*ə*)*ma sarδ*(*mān*)*ēt*

17 *pār*(*u*)*ti ny* [.]*δ*[..].. *əspyēšē* (*ə*)*skawam Kčānī ərti – m* [..]....[...]. .

18 *ərti – m ny..*]*'w kun*(*ē*)[*n*]*d ərti – m* (*a*)*wi '*(*βy*)[.]*γ*(*w*) [..].[.] *k*(*β*) [...].*"sry*

19 *βirand* [*ərt*]*i – mn par* [.]*'*(*z*)*mw* (*ə*)*βžāwēnd ərti* [.].[.]. *kāδyu*[ ] (*ə*)*βžβarē*

20 *īm ərt*[*i .....]mn* . [..]*y* .[....](*'tk*) *yu čy*(*r*)[.].*tn* [..]. *ərti – m*

21 *čānu paty*[*u*]*št xarastarang ti – t 20 stēr nāk*(*ar*)*tak partu* [*δār*](*t*) *ərti čānu*

22 *rašt βrām – ut ərti-m δβartu δārt awu nāk*(*ar*)*taku ərti – m patmāt*

23 *ərti 4½ stēr* (*ə*)*spat ərti – m ptβršt* (*k*)*aδūti–m* (20) *s*(*tēr*) [*fras*](*t*)*ātu*

24 *δārt* (*ə*)*čuti – m 4½ stēr δβarē ərti čānu waγdu*

25 *δārt Aspanδat ti–m anβartu δārt awi rāϑī ərti-m δβrtu*

26 *δā(rt) ərti čānu waγdu δārt 7½ s nāk(ar)tak ərti – m par 4 ster 4 δang*

27 *'st(k)[.](m) (ə)β[y]art ərti (a)wi šāwētī xō nāk(ar)tak*

28 *āit pār(u)ti čānu waγdu δārand (ə)zγāmē ti – n nēst*

29 *pār(u)ti frataru azu (ə)βžβarē βāw kaδuti wi ərti – tan*

30 *patγuštāt kaδuti – m (ə)xurmazdē γišp (ə)kṛtu δārt*

31 *ərti – n mas patγušϑa pišt čan xēpϑ βandē Fri – xutāw*

32 *nipaxšt yu δeγ ač Kačān par (ə)štīk māxu p 30'k.*

برگردان

نشانی نامه:

از: بندهٔ شما فری–خوتاو[1]

به: خداوندگار [= جناب سرور] اسپندات[2] سر کاروان سالار

۱. به خداوندگار [= جناب سرور] اسپندات –کاروان سالار – آفرین ، نماز، پس او را روز خوب [باشد].

۲. که می‌بیند ترا تندرست، آرام، شادمان، بدون بیماری و خشنود. از [طرف] بندهٔ شما فری– خوتاو.

۳. و برای من، آن روز بهتر خواهد بود چون تو را می‌بینم و تو را

۴. از نزدیک نیایش آورم [= کنم] چون خدایان را پس من از داخله [= کشور چین از نظر سغدیان مهاجر] روز به روز

۵. [اخبار] بدتر می‌شنوم نه بهتر و هر چه می‌نویسم از [طرف] هرمزد[3]

۶ چنانچه رهسپار شود و چه او بود ..... تنها

۷. ..... و بنگر در گوزانگ[4] می‌مانم پس اینجا و آنجا رهسپار نمی‌شوم

---

[1] *fri-khwatāw* [2] *aspandhāt* [3] *akhurmaztakk*

[4] نخستین بار رایشلت متوجه شد که **کچان**، همان شهر **گوزانگ** است.

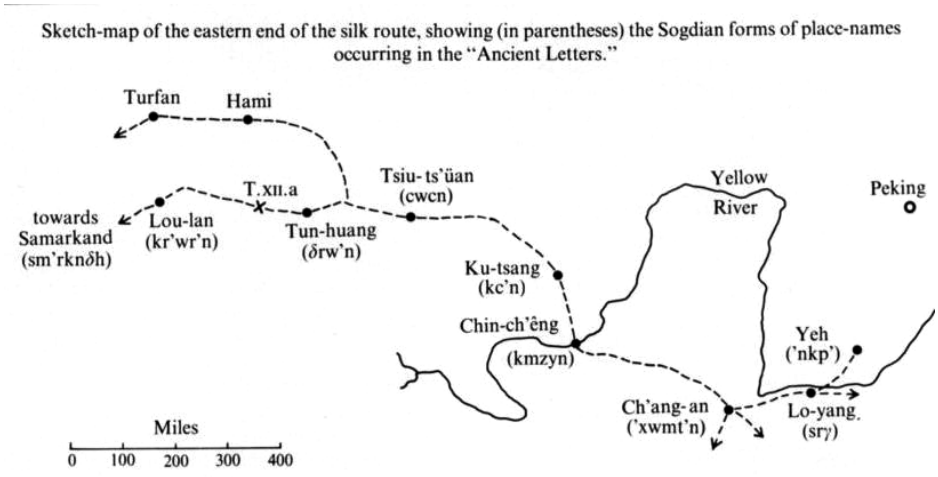
۸. پس از اینجا کاروانی نیست [= نمی‌گذرد] و در گوزانگ چهار بسته نی برای ارسال
۹. و دو هزار و پانصد فلفل برای ارسال و یک جفت پراستاک[1] .....
۱۰. و پنج پراستاک برنج و نیم استاتر نقره و چون گاوتوس از
۱۱. گوزانگ رهسپار شد پس از او راهی شدم و من آمدم به
۱۲. دون–هوانگ و مانع آوارگی من در خارج [چین] شد و ..... گاوتوس
۱۳. راهی راست دید [= یافت] پس ما «سیاهان» را درک کردیم [= دیدیم]
۱۴. و سغدیان بسیاری، که آمادهٔ رفتن شدند و نتوانستد بروند
۱۵. زیرا گاوتوس به [سمت] کوهستان رهسپار شد و در دون– هوانگ ماندم زیرا
۱۶. [مردمان] سغد نیازمند بودند و من نیاز به یاری اپراک دارم
۱۷. زیرا خدمت می‌کند ..... در گوزانگ هستم و مرا .....
۱۸. و مرا ..... مجبور می‌کنند و من .....
۱۹. به دست آورند و ..... افزایش دهند و خیلی بیچاره هستم
۲۰. و .....
۲۱. و من چنین شنیدم: خرسترنگ بیست استاتر نقره به شما بدهکار است
۲۲. چنین اظهار داشت: می‌آورم پس نقره را به من داد و آن را وزن کردم
۲۳. چهارونیم استاتر کامل، پس من پرسیدم چون برای من بیست استاتر فرستاده‌است.
۲۴. چرا به من چهارونیم استاتر دادی؟ و چنین گفت :
۲۵. اسپندات، مرا در راه یافت [= دید]
۲۶. و به من داد پس چنین گفت: هفت‌ونیم استاتر نقره [است] و برای چهار استاتر من چهار پشته .....
۲۷. ..... گرفتم و سیاه‌ها نقره گرفتند
۲۸. پس چنین گفتند: پولی نیست
۲۹. پس بهتر [است] من بدبخت باشم چنانکه ..... و شما
۳۰. بشنوید چون هرمزد به من آسیب رسانده‌است

---

[1] *prasthaka*

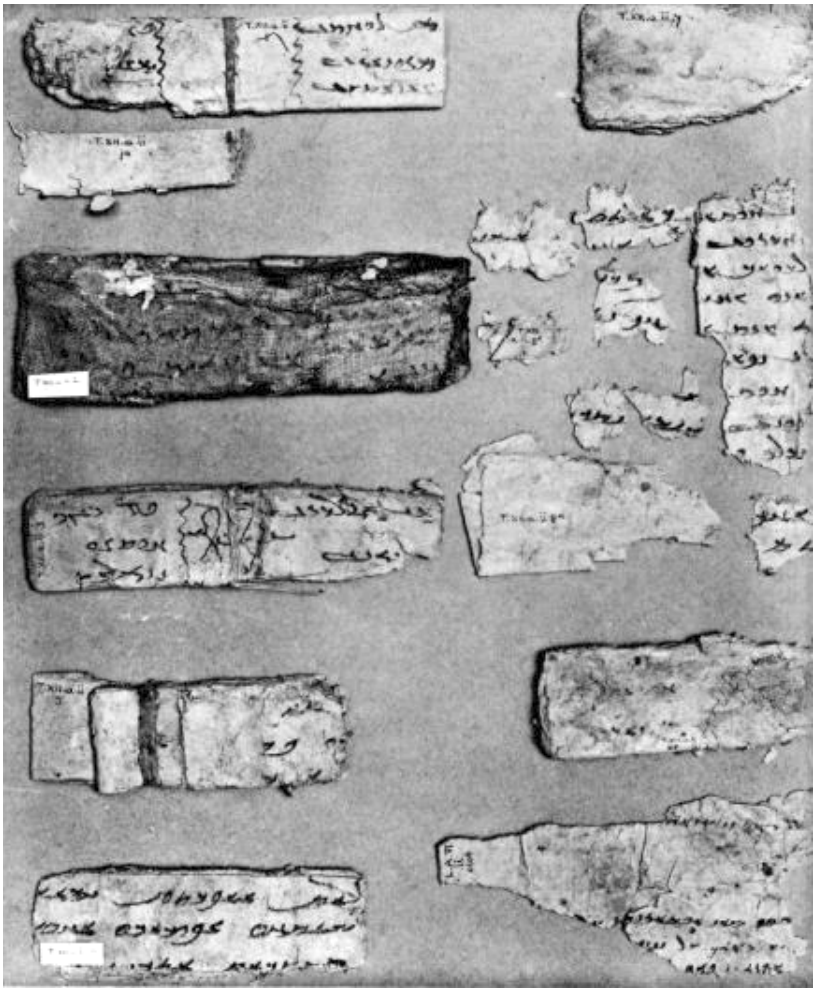
۳۱. و نیز شما بشنوید از [طرف] بنده فری–خوتاو

۳۲. نوشته شد این نامه از گوزانگ به روز سی از ماه سوم.



تصویر شمارهٔ ۱

(*Encyclopedia Iranica*)



تصویر شمارهٔ ۲

(Stein, 1921:: 4:/333)

کتابنامه

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳) ، *تاریخ زبان فارسی*، تهران: سمت.

تفضّلی، احمد/ آموزگار، ژاله (۱۳۷۷)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن.

زرشناس، زهره (۱۳۸۰) ، *جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانهٔ شرقی*، تهران: فروهر.

قریب، بدرالزّمان (۱۳۷۴) ، *فرهنگ سغدی*، تهران: فرهنگان.

Bartholomae, Chr. (1904), *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg.
Gerrchevitch, I. (1961), *A Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford.
Henning, W. B. (1948), "The Date of the Sogdian Ancient Letters", *Bulletin of the School of Oriental and Africa Studies*, Vol. 12: 601 –6 15
Mackenzie, D. N. (1971), *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford.
Nyberg, H. S. (1974), *A Manual of Pahlavi: Glossary*, Wiesbaden.
Reichelt, H. (1931), *Die Soghdischen Handschriftenrests Des Britischen Museums in Umschrift und mit Übersetzung*, Heidelberg.
Sims-Williams, N./Grenet, F./De la Vaissière, É. (2001) "The Sogdian Ancient Letter", Alexander's Legacy in the East: Studies in honor of Paul Bernard, *Bulletin of the Asia Institute*, Vol. 12: 91-104.
Stein, A. (1921), *Serindia: Detailed Report of Explorations in Central Asia and Westernmost China* (Vol. 2, 4), Oxford.

Translation and Review of a non-Religious Sogdian Text
(Fifth Letter of Sogdian)

Saeed Nazari
Islamic Azad University, Sanandaj

Abstract
There is no trace of the Sogdian language in the ancient period of the Persian languages. However, in the Middle Ages, there are several works of this language, one of the most important of which is the ancient Sogdian letters. Sir Aurel Stein found the ancient Sogdian letters in 1907 in one of watch-towers of the Great Walls of China. These documents consist of 5 complete letters and 4 letter-like fragments. The fifth letter was written by a man named *Fri-khwatāw* from *Guzang* to *Aspandhāt* of Khotan on May 11, 313 AD. This letter includes the names of products such as silver, linen, a kind of unprocessed fabric, pepper, etc. In the present article, the author has read and translated this letter.

Keywords: *Sogdia, Ancient Sogdian Letters, Fifth Letter*